

از تحقیقات بخش اعصاب دانشکده پزشکی

استفاده از هیپنوتیزم در عالم پزشکی (۱)

نگارش

دکتر سپهریان

آسیستان

دکتر چهرازی

استاد کرسی اعصاب

تألیف و تصحیح

قدمت هیپنوز (۲) بعقیده پرفسور کولر (۳) از زمانی است که بشر متشکل شد و خانه گیر، آنها که در تمهات (۴) جنبه ساحری و جادوگری داشتند مبدع و بنیان گذار هیپنوتیزم بوده اند. مبین این نظریه همانا مفهوم کلمه سحر میباشد که بمعنی عام، مجموعه اعتقاداتی است که قوای نامرئی را در حیات انسان و زندگی اخلاقی و عملی افراد مؤثر می شمارد. ذهن مردم ابتدائی و متمدن باد و شیوه تفکر ذاتاً بدنبال همندچه در غیر این صورت ظهور علماء و تسلسل علم قطع میشود. مناسک سحری (بر خلاف مناسک دینی) متغیر و ناپایدار است و بتدریج باتجربه و مشاهده مقرون میگردد. کیمیاگری، ستاره شناسی، پزشکی و غیره مأخذ سحری دارند. کلمه عربی طب نیز بمعنی جادو است. فنون اول در دایره سحر و در دامن ساحران پرورش یافته و بتدریج جنبه غیبی و رموز آن حذف و بر مبنای آزمایش استوار گردیده است.

سحر تنها شامل اعمال نیست بلکه پدید آورنده افکار و حاوی نظرات و موجد فرضها می باشد و هدف ساحر شناخت امور و معرفت در آن نیز هست و بدین ترتیب دقت

۱- Hypnotisme

۲- Hypnose

۳- Professeur Calère

۴- Totème قبایل کوچک قدیم را می گفتند

در مشاهدات، تحقیق در آثار، تفکر در امور روش معمولی ساحران بشمار میرفته و از آن جهت بی تردید مدد بزرگی به بسط دایره معارف نموده اند.

آن هنگام که افکار عمومی اعتقاد باعمال ساحران را خرافات پرستی و موهوم دوستی تلقی کرد و گروه کثیری از آنها را با اتهام ارتباط باشیاطین طعمه آتش نمود بالتبع بر خاطرات هیپنوز هم خاکستر فراموشی نشست تا زمانی که ویردینگ (۱)، پرفسور روستک (۲) و مسمر (۳) (پایه گذار منیتسم حیوانی) (۳) و بعضی دیگر تحقیقات در این باره را نو کردند. باید متذکر شد که اینها نیز از تهات در امان نمانده و حتی برخی حقه زن و نیرنگ بازو ریاکار نام گرفتند ولی آنچه مسلم است بیش تازان کاروان علم و دانش در راه تحقیق و کشف رموز از تهمت و افترا ییمی نداشته و همواره بی کار خود گرفته اند.

در ۱۸۴۲ جیم برد (۵) جراح منچستری که خود از نخستین مخالفین سرسخت هیپنوتیزم بود معتقد بآن شد تا آنجا که سر سلسله جنیان مکتب بردیسم (۶) گردید و طرفدارانش آنچنان مبالغه کردند که مدعی بودند شخص بخواب رفته (۷) تحت نیروی ملکوتی (۸) خواب کننده (۹) از نامه تاشده و کتاب نگشوده خبر میدهد، آینده و گذشته را میگوید سر نوشت شما و سر نوشت دنیا را پیش بین است.

در ۱۸۵۹ و لیو (۱۰) از طرف بروکا (۱۱) تحت عنوان «بررسی در زمینه خواب مصنوعی» (۱۲) در فرهنگستان علوم پاریس سخنرانی کرد.

شارکو (۱۳) موضوع «حالت عصبی تصنمی و نورز تجربی» (۱۴) را مطرح نمود و آنها را تابع فعالیت مخ دانست. (سر برژن) (۱۵).

بابنسکی با عنون پسیکوژنز (۱۶) عقاید خود را خلاصه کرد.

۱- Wirding

۳- Mesmer 1734

۵- Jame Braid

۷- Hypnotisé

۹- Hypnotiseur

۱۱- Broca

۱۳- Charcot

۱۵- Cérébrogénèse

۲- Professeur Rostock

۴- Magnétisme animal

۶- Braidisme

۸- Divin

۱۰- Velpeau

۱۲- un travail sur l' hypnotisme

۱۴- un état nerveux artificiel une névrose expérimentale

۱۶- Psychogénèse

برنهایم (۱) حالات مختلف خواب مصنوعی را یاد آور گردید .
و بالاخره استاد بیرژانه (۲) دانشمند معاصر تحقیقات خود را موجزاً در کتابی
بنام هیپنوتیزم برشته تحریر در آورده ۱۹۲۵ .

از نام محققین دیگر در این راه بناچار برای رفع اطاله کلام خودداری میشود .
هلت (۳)

« تأویل حدوث هیپنوز را با دو کلمه قبول (۴) ورد (۵) خلاصه کرده اند . »

رمف (۶) ۱۸۸۰ اختلال جریان خون در مخ را سبب میدانند .

پرهیر (۷) ۱۷۸۱ نقصان اکسیژن سلولهای دماغی در اثر تحریک و کار و بالنتیجه
کمرخی آنها را (۸) مطرح نموده است .

عقیده کارپانت (۹) ۱۸۸۶ بر آن است که کوشش و کشش فکری (۱۰) در جهت
قطع اعمال روحی (۱۱) را در جهت دیگر بدنبال دارد .

هایدنهایم (۱۲) ثابت نمود که برانگیختگی عصب میتواند اعمال وقفه را سبب
گردد (باتحریک زوج دهم دماغی وقفه در عمل قلب و باتحریک پیاز نخاع تعلیق اعمال
حیاتی نتیجه میشود) .

برون سکوار (۱۳) چنین اظهار نظر مینماید « وقفه عبارتست از فقدان موقت
یا همیشگی فعالیت مرکز عصب یا خود عصب یا عضله ، بدون آنکه ضایعات قابل رؤیت
وجود داشته باشد ، گاهی بلافاصله و زمانی اندکی پس از تحریک نقطه ای از دستگاه
عصبی که کم و بیش با محل آن فاصله دارد وقفه بوجود می آید و معلق کننده موقت یا
از بین برنده دائمی عمل یا فعالیت است . هیپنوز بوسیله تحریک محیطی (حواسی -

۱- Bernhaym

۲- Pierre Janet

۳- Pathogenie

۴- Sympathie

۵- antipathie

۶- Rumpf

۷- Preyer

۸- Engourdissement

۹- Carpanter

۱۰- une grande contention d'esprit

۱۱- Cessation des fonctions psychique

۱۲- Heidenhaim

۱۳- Brown sequared

حسی) یا تحریک مرکزی (فکری - تأثری) ایجاد میشود. بنابراین هیپنوتیزم عبارتست از مجموعه اعمال و قفهای و تحریکی (۱).

پاولف (۲) میگوید بطور کلی اعمال مخ دو جنبه دارد بدنبال هر تحریک و قفهای و متعاقب هر وقفه تحریکی است و روش معمولی زندگی افراد مبنی بر دواصل فوق می باشد.

دو فرضیه روحی بابنسکی (۳) و دماغی شار کو (۴) هنوز دست آمیز جدال است.

تذکره

قوای شعوری شخص بخواب رفته (۵) اندک اندک نقصان یافته (۶) و نیروی

١- l'inhibition est la disparition momentanée ou pour toujours d'une fonction ou d'une activité dans un centre nerveux, dans un nerf, ou dans un muscle, arrêt ayant lieu sans alteration organique visible survenant immédiatement ou peu après la production d'une irritation d'un point du système nerveux plus ou moins éloigné de l'endroit où l'effet s'observe. L'inhibition est donc un acte qui suspend temporairement ou anéanti définitivement une fonction, une activité à l'aide duquel un individu est jeté dans L'hypnose nest d'abord ' qu'une irritation periferique (sensoriel ou senitif) ' ou central (par influence d'une idée ou d'une émotion) essentiellement donc l'hypnotisme n'est qu'un effet ou un ensemble d'actes d'inhibition et de dynamogenie.

٢ - Pawlov

٣- Psychogenèse

بابنسکی معتقد بعمل تلقین است یا بهتر گفته شود هیپنوتیزم را فونکسیونل میداند.

٤- Cerebrogène

شار کو عقیده به عمل دماغی دارد و هیپنوتیزم را عضوی می شمارد.

٥- Hypnotisme par persuasion

٦- Paraisse intellectuelle croiss ante

خود کار فکر تخفیف کلی می یابد (۱) تا آنجا که دامنه شناسائی محدود و اراده تحت الشعاع قرار میگیرد و در اینحال شدت پذیرش مجال حصول عالیترین نتیجه را میدهد.

ژلی (۲): در کتاب «تصور (۳)» چنین میگوید:

مشخص خواب رفتن بی حرکتی روحی خواب رفته ها است که فقط در مسیر همان فکری که بایشان داده میشود سیر میکنند (۴).

بعقیده برنهایم (۵) هیپنوز حالت روحی خاصی است که میتوان آن را برابر انگیخت تا بالنتیجه تلقین پذیری را بدرجات مختلف بفعالت و تظاهر وادارد یعنی شخص تمایل می یابد به آنکه تحت فکر پذیرفته شده واقع گشته و بآن عمل کنند (۶).

پیرژانه هیپنوز را در تنگی میدان شناسائی (یعنی فقدان افکار بی شمار فرعی) وضعف اعمال روحی و تجزیه فکری (۷) خلاصه مینماید تمرکز دقت بجائی و تخفیف اعمال دماغی منتج از آن پایه و اساس فرایض او میباشد (۸).

۱- Spontanéité psychique est supprimé

۲- Joly

۳- L'imagination

۴- Le Somnambulisme est caracterisé par l'inertie morale des sujets qui partent sur chaque idée qu' on leur fournit .

۵- M. Bernheim

۶- un etat psychologique particulier, susceptible d'être provoqué, qui met en activité ou exalte à des degrés divers la suggestibilité, c'est à dire l'aptitude à être influencé par une idée acceptée par le cerveau et à la réaliser.

۷- Le retrécissement du champs de la conscience (se traduit par l'absence des innombrables pensées) la faiblesse de la synthèse psychologique et la désagrégation mentale .

۸- La concentration de l'attention la diminution des fonctions vient d'un excès de l'attention (over attention) sur un point. L'hypnotisme n'est pas un etat contre nature, elle ne crée pas de fonctions nouvelles... elle exagère à la faveur d'une concentration psychique speciale

پس با توجه با آنچه گفته شد مسلم میگردد که میتوان افکار شخص بخواب رفته‌ای را بسمتی کشانید. بدیهی است این موضوع در دفع پلی‌دیها و دفع زشتیها کمکی شایان و اثری نمایان خواهد داشت. کولر در کتاب خود تأیید این مطلب را مینماید (۱) که بی شک یکی از برجسته ترین فوائد خواب مصنوعی بشمار میرود. سال اخیر در سرویس اعصاب موفقیت‌های شایانی در درمان بوسیله هیپنوتیزم بدست آمده که يك مورد آن نیز در یکی از جلسات کنفرانسهای چهارشنبه بیمارستان پهلوی معرفی گردیده است.

و آن شد

- 1- hypnotisme (P. Pierre Janet) 1925
- 2- » et magnetisme (P. Culère) 1820
- 3- » (P. Rimbaud) 1957
- 4- » (P. Elmerse knolse)

۵- حالات عصبانی - نورزها - تألیف پیرژانه ترجمه دکتر چهرازی

۱- un des phénomènes les plus extraordinaires de cette phase est la possibilité de faire perdre à un somnambulique la notion de sa propre personnalité et la transformer à une autre.